

Civilizational Future Depiction Based on an Interpretive Atomistic Approach

Mohammad Eskandari¹

Received: 26-04-2023

Accepted: 26-07-2023

Abstract

The depiction of a future civilization in an atomistic approach is conducted in two ways: "studying the conditions and behaviors of past nations and communities" and "examining divine promises and narratives indicating the future state of societies and the end times." The validity of these two methods is based on certain rational, textual, and theological principles. Firstly, many verses and narrations identify the ultimate purpose of reflecting on the fate of past nations as a source of life lessons. Secondly, considering the unchanging divine traditions, the causes of these events can serve as models and be generalized to all times and places. That is, God has established laws and traditions since the time of past nations, which are not exclusive but rather universal principles applicable to all communities, from the past to the future. These laws predict the factors of growth and prosperity or decline and downfall of nations and communities. This depiction essentially consists of general propositions or laws about future events and their characteristics, derived from the conditions of past nations, forward-looking verses, and divine promises. It fundamentally differs from mere prediction or determinism. Ultimately, the inferred propositions collectively form different layers of this image, presenting an overall view of the envisioned future.

Keywords: Civilizational image, Atomistic approach, Lessons, Divine plan, Divine promises.

1. PhD Student in Public Policy, Faculty of Islamic Studies and Political Science, Imam Sadeq (AS) University, Tehran, Iran mo.es.vali@gmail.com

تصویرگری آینده تمدنی مبتنی بر رویکرد جزئی‌نگر

محمد اسکندری^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۶

چکیده

تصویرسازی از آینده تمدنی در رویکرد جزئی‌نگر به دو صورت «مطالعه وضعیت و رفتار اقوام و امت‌های پیشین» و «بررسی وعده‌های الهی و اخباری که دلالت بر وضعیت آینده جوامع و آخرالزمان می‌کنند» انجام می‌پذیرد. حجیت این دو صورت مبتنی بر برخی مبانی نقلی، عقلی و کلامی است که مطابق آن اول، بسیاری از آیات و روایات، غایت عبرت‌آموزی در زندگی را فلسفه رجوع به سرنوشت اقوام پیشین معرفی می‌کنند؛ دوم، با توجه به سنت‌های تغییرناپذیر الهی، علل این حوادث و وقایع، قابل الگوبرداری و تعمیم به همه زمان‌ها و مکان‌ها است؛ یعنی خداوند سنت‌ها و قوانینی از زمان اقوام گذشته جاری ساخته است که هرگز جنبه اختصاصی نداشته و به‌صورت سلسله قوانینی درباره همه اقوام از گذشته تا آینده تعمیم‌پذیر است که براساس آن، عوامل رشد و سعادت یا انحطاط و زوال امت‌ها و اقوام در آن پیش‌بینی شده است. این تصویر درحقیقت گزاره‌ها یا قوانین کلی درمورد حوادث و ویژگی‌های امور آینده است که با الهام از وضعیت اقوام پیشین، آیات آینده‌نگرانه و وعده‌های الهی به دست آمده‌اند و تفاوت ماهوی با مسئله پیش‌گویی و محتوم‌نگاری دارند. درنهایت گزاره‌های استنباط‌شده، هر کدام در نسبت با یکدیگر لایه‌های مختلف این تصویر را پدید می‌آورند و نمایی کلی از آن به‌دست می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: تصویر تمدنی، رویکرد جزئی‌نگر، عبرت‌ها، طرح الهی، وعده‌های الهی.

۱. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری عمومی، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)،

مقدمه

یکی از مهم‌ترین پایه‌های ساخت جامعه مطلوب، ارائه تصاویر مطلوب از آینده آن است؛ زیرا جامعه فاقد چشم‌انداز و افق حرکتی، در خوش‌بینانه‌ترین حالت خود دچار رکود و روزمرگی شده و به‌مرور سرمایه، منابع و امکانات خود را تباه خواهد ساخت. بنابراین تصویرگری آینده مطلوب، محور اساسی تغییر وضعیت اجتماعی است که نتایجی مانند شکوفایی فرهنگی، جهت‌دهی فعالیت‌ها و احساسات آحاد جامعه، تمرکز قوا و منابع، تقویت عناصر اجتماعی، تولید مفاهیم و ادبیات جدید و... را در بر دارد. در مقابل، پیامد فقدان چنین تصویری، زوال فرهنگی، بی‌برنامگی، پراکندگی قوا و کنش‌ها، غافلگیری و... است. در مقوله تمدن‌سازی این مسئله دارای اهمیت اساسی‌تری است و تمدن‌ها برای بقای حیات و حفظ پویایی خود، نیازمند تصویری از آینده خود هستند. این تصویر در پیوند استوار با پارادایم‌ها، ارزش‌ها، آرمان‌ها، ظرفیت‌ها، اقتضائات زمانی و مکانی و کلان‌روندهای آینده تمدن است که هر جامعه و تمدنی مبتنی بر این مؤلفه‌ها، وضعیت آرمانی خود را تصویرگری کرده و در جهت رسیدن به آن، برنامه‌ریزی و حرکت می‌کند. چنین تصویرسازی برای آینده تمدن اسلامی نیز امری ضروری بوده و تمدن اسلامی برای حفظ بقا و رقابت تمدنی خود، اول به ساخت چنین تصویری نیاز دارد و دوم، باید در مسیر گفتمان‌سازی، پذیرش اجتماعی و ترویج آن قدم بردارد. اساس چنین تصویری باید با دو مقوله مرتبط باشد: ارزش‌های الهی و اسلامی و واقعیت‌های بیرونی. پژوهش حاضر بر آن است تا نسبت تصویر آینده تمدنی با ارزش‌ها و مبانی دینی را بیابد و اساساً آنچه حائز اهمیت است این سؤال است که دین اسلام و قرآن چه زمینه ذهنی از آینده تمدنی و مؤلفه‌های آن برای حرکت تمدنی ارائه می‌دهند؟ روش استنباط و اکتشاف چنین تصویری چگونه است؟ پاسخ چنین سؤالاتی در نوع رویکرد استنباطی است که در مواجهه با دین و متن دینی اتخاذ می‌شود؛ براین‌اساس، از میان چند رویکرد تفسیری و استنباطی که وجود دارد، می‌توان متناسب با هریک به تصویری دینی و قرآنی از آینده تمدنی و مؤلفه‌ها و ویژگی‌های آن دست یافت. رایج‌ترین این رویکردها، تفسیر و رویکرد «جزئی‌نگر»، «استنباطی و موضوعی» و «ساختاری و سیاقی» است. در این پژوهش سعی خواهد شد با محوریت رویکرد جزئی‌نگر و دلالت‌های تفسیری آن، به روش‌شناسی و چگونگی ارائه تصویر الهی از آینده تمدنی مبتنی بر متن قرآن کریم پرداخته شود. عمده تمرکز این رویکرد معطوف به بررسی دلالت آیات و روایات در مورد رفتار اقوام پیشین، رفتار خداوند با آن‌ها، حوادث و وقایع پیشین، داستان‌های پیامبران، سرنوشت اقوام، خطابات الهی در مورد امت‌ها و... است. این رویکرد با اعتقاد به ایده حق‌باوری در

تاریخ و وجود جریان تاریخی حق و باطل، رویدادهای گذشته را همانند آینه‌ای می‌داند که وقایع حال و آینده را ترسیم می‌کند. در نتیجه استنباط مؤلفه‌ها و ویژگی‌های گذشتگان، به‌منابه چراغ راهی برای جوامع حال و آینده محسوب خواهد شد.

مفسران و پژوهشگران دینی برای اعتبار چنین رویکردی، شواهدی از آیات قرآن ذکر می‌کنند؛ به‌طور نمونه قرآن کریم یکی از وجوه آگاهی جوامع را عبرت‌آموزی به‌وسیله مطالعه سرنوشت پیشینیان معرفی می‌کند. مبتنی بر همین مبانی، عده‌ای هدف قرآن از طرح وقایع تاریخی را داستان‌سرایی صرف ندانسته بلکه عبرت‌آموزی و ارائه رهنمودهای سازنده برای حال و آیندگان از رهگذر تاریخ می‌دانند. بر همین اساس، قرآن در ذکر وقایع و حوادث، برعکس کتب تاریخی به ذکر مسائل کم‌فایده‌ای که نقش اساسی در هدایت جوامع ندارند نمی‌پردازد و در برخی موارد، پیگیری چنین مسائلی را نیز نکوهش می‌کند.^۱

مبانی نظری: روش تفسیری جزئی‌نگر و مبانی آن

این رویکرد، ساختار سوره و ارتباط بین آیات آن را در کشف معانی و مفاهیم قرآن دخیل نمی‌داند و هر واژه، آیه، بخشی از آیه یا آیات را مستقل از بافت کلی سوره بررسی می‌کند؛ بنابراین واحد استناد در این روش، آیه واحد یا بخشی از آن، آیات متعدد، تفسیر روایی یا روایت‌های مستقل و با تکیه بر ویژگی‌های ادبی و زبان‌شناختی واژگان است (احمدی آشتیانی، ۱۴۰۱، ص. ۴)

تصویرسازی از آینده تمدنی در روش جزئی‌نگر به دو صورت انجام می‌پذیرد:

۱. مطالعه وضعیت اقوام و امت‌های پیشین؛
۲. بررسی وعده‌های الهی و اخباری که دلالت بر وضعیت آینده جوامع و آخرالزمان می‌کنند.

حجیت این دو صورت مبتنی بر برخی مبانی نقلی، عقلی و کلامی است که مطابق آن، اولاً بسیاری از آیات و روایات غایت عبرت‌آموزی در زندگی را فلسفه رجوع به سرنوشت اقوام پیشین معرفی می‌کنند؛ ثانیاً با توجه به سنت‌های تغییرناپذیر الهی، علل این حوادث و وقایع، قابل الگوبرداری و تعمیم به همه زمان‌ها و مکان‌ها هستند؛ یعنی خداوند سنت‌ها و قوانینی را از زمان اقوام گذشته جاری ساخته است که هرگز جنبه اختصاصی نداشته و به‌صورت سلسله‌قوانینی درباره

۱. خداوند در آیه ۲۲ سوره کهف پرسش و پیگیری از تعداد نفرات اصحاب کهف را نکوهش می‌کند.

همه اقوام از گذشته تا آینده قابل تعمیم است که براساس آن، عوامل رشد و سعادت یا انحطاط و زوال امت‌ها و اقوام در آن پیش‌بینی شده است (موسوی مبلغ، ۱۳۹۳).

روش پژوهش

بخشی از روش تحقیق نوشتار پیش‌رو، مبتنی بر روش گردآوری داده‌ها به صورت اسنادی است؛ سپس به روش توصیفی - تحلیلی به تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده پرداخته شده است. بخش دیگر پژوهش نیز مبتنی بر روش تفسیری جزئی‌نگر سامان یافته است.

یافته‌های پژوهش

ابتدا مراحل و چگونگی تصویرگری مبتنی بر رویکرد تفسیری جزئی‌نگر توضیح داده می‌شود و در بخش دیگر، ویژگی‌ها و کلیات تصویر آینده تمدنی برآمده از تفسیر جزئی‌نگر بیان می‌شود.

رویکرد جزئی‌نگر و مبانی آن

همان‌طور که اشاره شد، تصویرسازی از آینده تمدنی در روش جزئی‌نگر به دو صورت انجام

می‌پذیرد:

۱. مطالعه وضعیت اقوام و امت‌های پیشین؛
۲. بررسی وعده‌های الهی و اخباری که دلالت بر وضعیت آینده جوامع و آخرالزمان می‌کنند.

قرآن به دو صورت مخاطب را به اهتمام در امر تاریخ دعوت کرده است:

الف) دعوت و امر به سیر در زمین و مشاهده آثار به‌جامانده از پیشینان:

«قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (سوره

آل عمران، آیه ۱۳۷ و ۱۳۸).^۱

ب) «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ» (سوره نمل، آیه ۶۹).^۲

قرآن بین گذشته، حال و آینده پیوند می‌دهد و با دعوت به سیر در آثار پیشینان، ارتباط فکری و فرهنگی امروزیان با گذشتگان خود را رقم می‌زند تا علل و عوامل سعادت و کامیابی یا سقوط و افول آنان مایه عبرت آیندگان گردد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ص. ۳۰۹).

۱. «پیش از شما سنت‌هایی وجود داشت (و هر قوم طبق اعمال و صفات خود سرنوشت‌هایی داشتند که همانند آن را

شما نیز دارید)؛ پس در روی زمین گردش کنید و ببینید سرانجام تکذیب‌کنندگان [آیات خدا] چگونه بود؟!»

۲. «بگو بروید در روی زمین گردش کنید؛ سپس بنگرید عاقبت و سرانجام گناهکاران چگونه بوده است.»

ب) توجه به سرگذشت اقوام و امت‌های تاریخی:

این قسمت بخش عظیمی از دلالت‌های تاریخی آیات قرآنی را به خود اختصاص می‌دهد و تصریح بر این دارد که ذکر سرگذشت پیشینیان با اهداف زیر صورت می‌گیرد:

هدایت: «أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسْكِنِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى» (سوره طه، آیه ۱۲۸).^۱

عبرت‌آموزی: «فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَن يَخْشَى» (سوره نازعات، آیه ۲۵ و ۲۶).^۲

– «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (سوره یوسف، آیه ۱۱۱).^۳

الگودهی: – «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ...» (سوره ممتحنه، آیه ۴).^۴

– «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...» (سوره احزاب، آیه ۲۱).^۵

تنبیت قلب پیامبر (ولی جامعه) و تقویت مؤمنان: «وَ كَلَّا نَقْصُ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَ جَاءَكَ فِي هَٰذِهِ الْحَقُّ وَ مَوْعِظَةٌ وَ ذِكْرَى لِّلْمُؤْمِنِينَ». (موسوی مبلغ، ۱۳۹۳).^۶

از حیث روایی نیز روایات متعددی وارد شده است که مبنای استنباط علل و عوامل ظهور و سقوط امت‌ها و پیش‌بینی آینده تمدن‌ها در این رویکرد قرار گرفته است. امیرمؤمنان علی (ع) در فرمایشی خطاب به فرزندان چنین می‌فرماید: «أَيُّ بَنِي إِبْنِي وَ إِنْ لَمْ أَكُنْ عُمَرْتُ عُمَرَ مَنْ كَانَ قَبْلِي فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ وَ فَكَّرْتُ فِي أَخْبَارِهِمْ وَ سِرْتُ فِي أَثَارِهِمْ حَتَّى عُذْتُ كَأَحَدِهِمْ بَلْ كَأَنِّي بِمَا أَنْتَهَى إِلَيَّ مِنْ أُمُورِهِمْ قَدْ عُمَرْتُ مَعَ أَوْلِيهِمْ إِلَى آخِرِهِمْ فَعَرَفْتُ صَفْوَ ذَلِكَ مِنْ كَدَرِهِ وَ نَفَعَهُ مِنْ ضَرَرِهِ!»؛ «پسرم! درست است که من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام، اما در کردار آن‌ها نظر

۱. «آیا برای هدایت آنها کافی نیست که ما بسیاری از امت‌های گذشته را پیش از ایشان به هلاکت رساندیم درحالی‌که این‌ها در منازل آنان راه می‌روند؟ به‌درستی که در این امر نشانه‌هایی برای صاحبان عقل وجود دارد».

۲. «ازین‌رو خداوند او (فرعون) را به عذاب آخرت و دنیا گرفتار ساخت؛ در این عبرتی است برای کسی که [از خدا] بترسد!» (سوره آل‌عمران، ۱۳ و سوره حشر، آیه ۲).

۳. «به‌راستی که در سرگذشت‌های آن‌ها، درس عبرتی برای صاحبان اندیشه است».

۴. «برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت...»

۵. «مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود...»

۶. «ما از هریک از سرگذشت‌های پیامبران برای تو بازگو کردیم، تا به‌وسیله آن، قلبت را آرامش بخشیم و اراده‌ات قوی گردد. و در این (اخبار و سرگذشت‌ها)، برای تو حق و برای مؤمنان موعظه و تذکر آمده است».

افکندم و در اخبارشان اندیشیدم و در آثارشان سیر کردم تا آنجا که گویا یکی از آنان شده‌ام؛ بلکه با مطالعه تاریخ آنان، گویا از اوّل تا پایان عمرشان با آنان بوده‌ام. پس قسمت‌های روشن و شیرین زندگی آنان را از دوران تیرگی شناختم و زندگانی سودمند آنان را با دوران زیان‌بارش شناسایی کردم» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱). حضرت در فرمایشی دیگر نیز می‌فرماید: «استدلّ علی ما لم یکن بما قد کان، فإنّ الأمور أشباه»؛ «برای امور واقع‌نشده، به آنچه واقع شده است استدلال کن و با مطالعه قضایای تحقق‌یافته، حوادث یافت‌نشده را پیش‌بینی کن؛ زیرا امور جهان، همانند یکدیگرند» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۶۷).

اتکای این رویکرد بر صورت دوم (وعده‌های الهی و اخبار آینده) نیز مبتنی بر مبنای حقانیت و تخلف‌ناپذیری وعده‌های الهی است. چون وعده‌های الهی قول خداوند هستند، بنابراین از مقوله مفاهیم ذهنی نیستند، بلکه از مقوله حقایق خارجی، عینی و حتمی هستند (کاوه و محمدحسینی، ۱۳۹۸، ص. ۲۰۹). ویژگی حقانیت^۱ و تخلف‌ناپذیری^۲ وعده‌های الهی یکی از مهم‌ترین امکانات در تصویرسازی از آینده در رویکرد جزئی‌نگر است که با کشف و تمسک بر آن‌ها می‌توان برخی ویژگی‌های ناظر بر مؤمنان، ستمگران، جوامع ایمانی و طاغوتی را در آینده استنباط کرد.

رویکرد جزئی‌نگر و تصویر تمدنی

تصویری که با اتکا بر رویکرد جزئی‌نگر از قرآن^۳ استنباط می‌شود، درحقیقت گزاره‌های کلی

۱. «وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا»؛ «وعده خدا حق است و راستگوتر از خدا در وعده کیست؟» (سوره النساء، آیه ۱۲۲).

۲. «وَعَدَ اللَّهُ لَأَيُّخِلِفَنَّ اللَّهُ الْمُعَادَةَ»؛ «خدا این وعده را داده است؛ خدا وعده خلافی نمی‌کند» (سوره الزمر، آیه ۲۰).

۳. از حیث روایی در مورد برخی روایات ناظر به آینده، می‌توان ادعا کرد که تصویرسازی از اموری صورت می‌گیرد که تنها متکی بر گزاره‌های کلی نیست، بلکه روایت در مقام تبیین و تصویرگری صحنه‌ای از رویدادهای آتی است که حتی در برخی موارد، مختصات زمانی و مکانی صحنه نیز در آن ذکر می‌شود؛ روایت منقول از امام صادق (علیه‌السلام) نمونه واضح چنین تصویرگری است:

« عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَنَّهُ ذَكَرَ كُوفَهُ وَقَالَ سَتَخْلُو كُوفَهُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَأْزُر [يَأْرِزُ] عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْزُر [تَأْرِزُ] الْحَيَّةُ فِي جَحْرِهَا ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بَيْلِدَةً يُقَالُ لَهَا فُمٌّ وَ تَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَ الْفَضْلِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمُخَدَّرَاتِ فِي الْجِبَالِ وَ ذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظَهْرٍ قَائِمِنَا فَيَجْعَلُ اللَّهُ فَمًّا وَ أَهْلَهُ قَائِمِينَ مَقَامَ الْحِجَّةِ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَسَاخَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا وَ لَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ حُجَّةٌ فَيُنْفِضُ الْعِلْمُ مِنْهُ إِلَى سَائِرِ الْبِلَادِ فِي الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ فَيَسِمُ حُجَّةً اللَّهُ عَلَى الْخَلْقِ حَتَّى لَا يَبْقَى أَحَدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَمْ يَبْلُغْ إِلَيْهِ الدِّينَ وَ الْعِلْمُ ثُمَّ يَظْهَرُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ يَسِيرُ سَبَبًا لِنِقْمَةِ

درمورد حوادث و ویژگی‌های امور آینده است که می‌توان با الهام از وضعیت اقوام پیشین و وعده‌های الهی، به‌طور فراوان از آیات مختلف پراکنده در جای‌جای قرآن یا حتی بخشی از آیات به دست آورد و توصیه‌های کلی درمورد آینده و وضعیت مطلوب از آن ارائه داد. به‌طور نمونه دیدگاه قرآن در باب عوامل انحطاط و سقوط جوامع و تمدن‌ها با استناد بر آیاتی که به فروپاشی و نابودی اقوام پیشین پرداخته است، استنباط می‌شود و علل و عوامل منفی مانند فساد (با برداشت از فساد اقوامی مانند فرعون و ثمود)^۱، فسق (با برداشت از سرنوشت قوم لوط و فرعون)^۲، اسراف (با الهام از سرنوشت قوم لوط)^۳، بی‌ایمانی به خدا و تکذیب پیامبران (مبتنی بر سرگذشت قوم نوح)^۴،

اللَّهُ وَ سَخَطِهِ عَلَى الْعِبَادِ لِأَنَّ اللَّهَ لَا يَنْتَقِمُ مِنَ الْعِبَادِ إِلَّا بَعْدَ إِنْكَارِهِمْ حُجَّةً» «از امام صادق علیه‌السلام روایت شده که نام کوفه را برد و فرمود: به‌زودی کوفه از مؤمنان تهی شود و دانش از او پنهان گردد؛ چنان‌که مار در سوراخش پنهان شود. سپس دانش در شهری پدید شود که قمش گویند و معدن علم و فضل گردد تا آنجا که در روی زمین هیچ نادانی نسبت به دین نماند تا برسد به نوعروسان پرده‌نشین. این نزدیک به ظهور قائم ما باشد و خدا قم و مردمش را مقام حجت سازد و اگر آن نباشد، زمین اهلیش را فروربرد و حجتی در زمین نماند و دانش از آن به همه بلاد منتشر گردد در مشرق و مغرب و حجت خدا بر مردم تمام شود. تا کسی در روی زمین نماند که علم و دین به او نرسد؛ سپس قائم ظهور کند و سبب انتقام و خشم خدایی بر بنده‌ها شود؛ زیرا خدا از بنده‌ها انتقام نگیرد مگر پس از اینکه حجت را انکار کنند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱/۵۷/۲۱۳).

۱. «و تَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ، وَ فِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ، الَّذِينَ طَعَوْا فِي الْبَلَدِ، فَأَكْتَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ، فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ» «و با قوم ثمود، آنان که در آن وادی [برای ساختن بناهای استوار و محکم] تخته‌سنگ‌ها را می‌بریدند؛ و با فرعون نیرومند که دارای میخ‌های شکنجه بود، همانان که در شهرها طغیان و سرکشی کردند و در آنها فساد و تباه‌کاری فراوانی به بار آوردند؛ پس پروردگارت تازیانه عذاب‌های گوناگون را بر آنان فروریخت» (سوره فجر، آیه ۹-۱۳).

۲. «إِنَّا مُنَزَّلُونَ عَلَىٰ أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ»؛ «ما بر اهل این شهر به‌علت کار بسیار زشتی که مرتکب می‌شوند، عذاب سختی از آسمان نازل خواهیم کرد» (سوره عنکبوت، آیه ۳۴) و «فَاسْتَحَفَّ قَوْمُهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ»؛ «و قومش را ذلیل و زبون داشت تا همه مطیع فرمان وی شدند که آنها مردمی فاسق و نابکار بودند» (سوره زخرف، آیه ۵۴).

۳. «ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَشَاءُ وَ أَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ»؛ «آنگاه ما به وعده‌ای که به آنها دادیم وفا کردیم و آنان را با هر که خواستیم [از شر دشمنان] نجات دادیم و مسرفان ظالم را هلاک گردانیدیم» (سوره انبیا، آیه ۹) و «إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ»؛ «شما زنان را ترک کرده و با مردان سخت شهوت می‌رانید! آری شما قومی (در فساد و بزهکاری) اسرافکارید» (سوره اعراف، آیه ۸۱).

۴. «وَ قَوْمِ نوحٍ لَّمَّا كَتَبْنَا الرُّسُلَ أَعْرَفْنَاهُمْ وَ جَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً»؛ «قوم نوح را هنگامی که پیامبران را تکذیب کردند،

استکبار (فرعونیان)^۱، رفاه‌زدگی و ناسپاسی^۲، ظلم^۳، طغیان (سوره فجر، آیه ۹-۱۳)، ترک امر به معروف و نهی از منکر (سوره اعراف، آیه ۱۶۴-۱۶۶) به عنوان علل انحطاط تمدن‌ها ذکر می‌شود (گوهری فخرآباد و همکاران، ۱۳۹۹، ص ص. ۱۲-۲۱).

در حوزه علل و عوامل ایجابی تمدن‌ساز نیز چنین بوده و با استناد به این رویکرد، عواملی مانند انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر^۴، ایمان به خدا و تصدیق پیامبران و اولیای الهی^۵، اعتدال و میانه‌روی^۶، مقاومت و پایداری در مقابل دشمنان الهی^۷، رمز شکوفایی و صعود جوامع

غرق کردیم و آنان را برای مردم نشانه‌ای [عبرت‌آموز] قرار دادیم» (سوره فرقان، آیه ۳۷).

۱. «إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَأِيهِ فَاسْتَكْبَرُوا وَ كَانُوا قَوْمًا عَالِينَ»؛ «به سوی فرعون و سران و اشراف قومش، پس تکبر ورزیدند و آنان قومی برتری‌جو بودند» (سوره مؤمنون، آیه ۴۶).

۲. «وَ كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا فَبَلَغَتْ مَسَاكِينَهُمْ لَمَ تَسْكُنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَ كُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ»؛ «چه بسیار [اهل] شهرهایی را که [به سبب فراوانی نعمت] در زندگی خود گرفتار سرمستی و طغیان شده بودند هلاک کردیم؛ پس این‌ها خانه‌های ایشان است که پس از آنان [خراب و ویران شده و] جز اندکی مورد سکونت قرار نگرفته‌اند و فقط ما وارث آنان هستیم» (سوره قصص، آیه ۵۸).

۳. «وَ مَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَ أَهْلِهَا ظَالِمُونَ»؛ «و ما [در هیچ حالی از احوال] نابودکننده شهرها نبوده‌ایم مگر درحالی که اهلیش ستمکار بوده‌اند» (سوره قصص، آیه ۵۹).

۴. «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ»؛ «شما بهترین امتی هستید که [برای اصلاح جوامع انسانی] پدیدار شده‌اید، به کار شایسته و پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند و زشت بازمی‌دارید و به خدا ایمان می‌آورید» (سوره آل‌عمران، آیه ۱۱۰).

۵. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ، تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ «ای اهل ایمان! آیا شما را به تجارتي راهنمایی کنم که شما را از عذابی دردناک نجات می‌دهد؟ به خدا و پیامبرش ایمان آورید و با اموال و جان‌هایتان در راه خدا جهاد کنید. اگر [به منافع فراگیر و همیشگی] این [ایمان و جهاد] معرفت و آگاهی داشته باشید، [می‌دانید که] برای شما [از هر چیزی] بهتر است» (سوره صف، آیه ۱۰-۱۱).

۶. «وَ كَذَٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»؛ «و ما همچنان شما [مسلمانان] را به آیین اسلام هدایت کردیم و به سیرت نیکو بیاراستیم تا گواه مردم باشید و پیغمبر نیز گواه شما باشد» (سوره بقره، آیه ۱۴۳).

۷. «وَ لَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا افْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»؛ «هنگامی که سپاه طالوت با لشکر جالوت روبه‌رو شدند، گفتند: پروردگارا، [مقاومت] در برابر دشمن را بر ما سرازیر کن و گام‌هایمان را استوار دار و ما را بر این دشمنان کافر پیروز بگردان» (سوره بقره، آیه ۲۵۰)، «فَاسْتَقِيمْ كَمَا أَمَرْتَ وَ مَنْ

ذکر شده است (گوهری فخرآباد و همکاران، ۱۳۹۹، ص ص. ۲۳ و ۲۴).

به‌همین ترتیب، مؤلفه‌های فراوان سلبی یا ایجابی دیگری نیز وجود دارند که می‌توان مبتنی بر این رویکرد روشی و با سبک و سیاق فوق آن‌ها را استنباط کرد و درنهایت این‌گونه نتیجه گرفت که اگر جوامع حال و آینده چنین رویه‌ای اتخاذ کنند در حوزه علل و عوامل منفی، سرنوشتی جز تباهی و انحطاط نخواهند داشت و در حوزه علل مثبت، به رشد و شکوفایی خواهند رسید؛ اما نکته‌ای که وجود دارد این است که در این رویکرد به ماهیت و جزئیات امر بسیاری از این مؤلفه‌ها و نسبت آن‌ها با یکدیگر چندان اشاره نمی‌شود؛ زیرا همان‌طور که واضح است، برخی از این مؤلفه‌ها در مورد چند قوم یا چند مؤلفه در مورد یک قوم ذکر شده است؛ بنابراین این سؤال وجود دارد که آیا این مؤلفه‌ها خاصیت استقلالی در انحطاط یا رشد و شکوفایی جوامع دارند یا اینکه به دلالت مطابقی آیات باید اتکا کرد و درجایی که دو مؤلفه برای یک قوم ذکر شده است، حضور و همراهی چند مؤلفه با هم موجب انحطاط یا شکوفایی خواهد شد؟

مهم‌ترین بخشی که این رویکرد را با تصویرسازی از آینده مرتبط می‌کند، توجه به وعده‌های الهی است. وعده‌های الهی دربردارنده سه ایده «پیشگویی»^۱، «آینده‌نگری» و «قوانین کلی» هستند که اگرچه موضوع آینده وجه مشترک این مقولات است، اما درعین حال با هم تفاوت ماهوی دارند؛ زیرا مراد از پیشگویی بیان اخبار آینده است که پیشگو با قطع و یقین نسبت به وضعیت موضوعی خاص در آینده، اخبار آن را پیشاپیش بیان می‌کند. درحقیقت پیشگو تنها به بیان آنچه اتفاق خواهد افتاد می‌پردازد، نه اینکه چگونه باید باشد یا چگونه اداره شود؟ درحالی‌که آینده‌نگری تدبیر و سیاست‌گذاری نسبت به آینده و تعیین چگونگی بودن (وضع مطلوب) و شدن (گذار به مطلوب) آن است؛ بنابراین در پیشگویی‌های قرآنی، فارغ از طرح و برنامه‌ریزی خاص نسبت به آینده، تنها به بیان آنچه در آینده و در ارتباط با موضوعی خاص واقع خواهد شد پرداخته می‌شود. به‌طور نمونه

تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛ «پس تو چنان‌که مأموری، استقامت و پایداری کن و کسی که با همراهی تو به خدا رجوع کند نیز پایدار باشد و [هیچ از حدود الهی] تجاوز نکنید که خدا به هرچه شما می‌کنید بصیر و داناست.» (سوره هود، آیه ۱۱۲).

۱. عنوان عربی این واژه در سنت دینی عبارت «ملاحم» است که پیشینیان آثار خود در ارتباط با آینده‌گویی‌ها، اخبار غیبی و پیشگویی‌ها را «ملاحم و فتن» می‌نامیدند که عموم شیعه برای این کتاب‌ها واژه «ملاحم» را به کار می‌برند. در این کتاب‌ها احادیث مرتبط با آخرالزمان، پیشگویی‌های آینده و اخبار غیبی جمع‌آوری شده است.

وقایعی مانند پیشگویی غلبه رومیان بر ایرانیان، نه سال قبل از واقعه (آن هم در وضعیتی که بعید به نظر می‌رسید)^۱، پیشگویی غلبه مسلمانان در نبرد «بدر»^۲ و پیشگویی فتح مکه^۳، از مهم‌ترین پیشگویی‌های قرآنی هستند (قمی، ۱۳۶۷، ص. ۴۴۳) که در آن خداوند فارغ از کم‌وکیف ماجرا و وضعیت و زمینه‌های موجود، وعده رخداد این وقایع را، با وجود اینکه احتمال وقوع این وقایع اندک به نظر می‌رسید، از قبل داده بود؛ اما آینده‌نگری قرآنی ناظر بر چگونگی وضعیت بشری در آینده (مطلوب و نامطلوب) و نحوه اراده خداوند بر اداره آن است نه اینکه تصویری محتوم از سرنوشت بشریت ارائه دهد (شفیعی دارابی، ۱۳۷۱). با این بیان بسیاری از آیات قرآنی ناظر بر آینده، در مقام پیشگویی یقینی نیستند بلکه در مقام آینده‌نگری قرآنی، حکایت از طرح، برنامه و اراده الهی برای اداره هستی و بشریت در آینده دارند:

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛ «ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت گذارده و آنان را پیشوایانی قرار دهیم و وارثانشان کنیم و در زمین به آنان تمکین بخشیم» (سوره قصص، آیه ۵-۶).

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»؛ «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که آنان را در زمین جانشین

۱. «غَلَبَتِ الرُّومُ، فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِّن بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ، فِي بَعْضِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدِ وَ يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ»؛ «رومیان مغلوب شدند، در نزدیک‌ترین سرزمین [خود به حجاز که نوحی شام است]؛ و آنان پس از مغلوب شدنشان به‌زودی پیروز خواهند شد، [البته] در ظرف چند سال. عاقبت و نتیجه کار پیش [از مغلوب شدن رومیان] و پس [از پیروزی رومیان] فقط در سیطره اراده و فرمان خداست و آن روز [که رومیان پیروز شوند] مؤمنان شادمان و خوشحال خواهند شد» (سوره روم، آیه ۲-۴).

۲. «وَ اِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ اِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ اَنْهَآ لَكُمْ وَ تَوْدُونَ اَنْ غَيْرِ ذَاتِ الشُّوْكَه تَكُوْنُ لَكُمْ وَ يَرِيْدُ اللّٰهُ اَنْ يَحِقَّ الْحَقُّ بِكَلِمَاتِهِ وَ يَقْطَعُ دَابِرَ الْكَافِرِيْنَ. لِيَحِقَّ الْحَقُّ وَ يَبْطُلَ الْبَاطِلُ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُوْنَ»؛ «(و به یاد آورید) هنگامی را که خداوند به شما وعده داد که یکی از دو گروه (کاروان تجاری قریش با لشکر آنها) برای شما خواهد بود. اما شما دوست می‌داشتید که کاروان برای شما باشد (و بر آن پیروز شوید) ولی خداوند می‌خواهد حق را با کلمات خود تقویت و ریشه کافران را قطع کند (لذا شما را با لشکر قریش درگیر ساخت). تا حق تثبیت شود و باطل از میان برود؛ هر چند مجرمان کراهت داشته باشند» (سوره انفال، آیه ۷ و ۸).

۳. «إِنَّ الَّذِي قَرَّضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيْ مَعَادٍ...»؛ «بی‌گمان آن‌کس که قرآن را بر تو نازل کرد تو را به جایگاهت (مکه) بازمی‌گرداند» (سوره قصص، آیه ۸۵).

کند؛ چنانکه اسلامشان را نیز جانشین کرد و دینشان را که برای ایشان پسندیده است تمکین و استقرار بخشید و خوفشان را به امنیت تبدیل کند» (سوره نور، آیه ۵۵).

- «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ؛ «او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هرچند مشرکان کراحت داشته باشند» (سوره توبه، آیه ۳۳).

همان‌طور که معلوم است، مقصود از آیات مذکور بیان نوعی برنامه‌ریزی، اعمال تدبیر، اراده و طرح الهی نسبت به آینده بشریت است (شفیعی دارابی، ۱۳۷۱) نه اینکه ناظر بر وقوع حتمی موضوعی خاص باشد.

درنتیجه در قسمت پیشگویی‌های قرآنی حوزه وعده‌های الهی، نمی‌توان با استناد بر آیات دال بر پیشگویی، تصویری از آینده تمدنی به دست آورد؛ زیرا اول امر محتومی بوده و دوم ناظر بر اموری است که رخداد آن‌ها در گذشته اتمام یافته است؛ اما در قسمت آیات قرآنی با رویکرد آینده‌نگری، دلالت این آیات بر القای نوعی تصویر مطلوب یا نامطلوب از آینده است که مبتنی بر طرحی الهی، خداوند اراده تحقق آن را دارد و می‌توان دورنما و تصویر تمدنی از آن استنباط کرد. به‌طور نمونه از دو آیه فوق چنین استنباط می‌شود که باید تصویر مطلوب از آینده تمدنی، با مقولاتی مانند استضعاف و غلبه مستضعفین، استخلاف و حاکمیت بر زمین، استقرار دین برتر و متعالی و... نسبت و جهتی داشته باشد. در مقابل، تصویر نامطلوب نیز با مؤلفه‌هایی مانند شرک، استکبار، بی‌ایمانی به خداوند و... ترسیم می‌شود. آیات دیگری نیز وجود دارد که با استفاده از همین رویکرد می‌توان تصویری آینده‌نگرانه از آینده مطلوب استنباط کرد.

قسمت سوم از وعده‌های الهی ناظر بر وجود قوانین کلی در رابطه با موضوعاتی مانند نظام هستی، تاریخ، جامعه ایمانی، جامعه مشرکین و... است که تحقق امور در آینده را به‌صورت تعلیقی مطرح می‌کنند و تحقق وضعیتی از آینده را منوط به اراده اقوام و رعایت یا وقوع برخی از امور زمینه‌ای بیان می‌کنند (مکارم، ۱۳۷۴، ۱۳۴/۳). به‌طور نمونه درمورد رابطه خداوند با اهل ایمان، قانون کلی نجات و نصرت مؤمنان توسط خداوند را داریم:

- «ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ؛ «سپس ما نجات می‌دادیم، فرستادگان خود و کسانی را که به آنان ایمان می‌آوردند و این‌چنین بر ما سزاوار است که مؤمنان را نجات دهیم» (سوره یونس، آیه ۱۰۳).

« وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاؤُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَانْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أُجْرَمُوا وَ كَانَتْ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ »؛ «ای رسول، ما پیش از تو پیامبرانی را به سوی قومشان فرستادیم؛ آن‌ها معجزه‌ها و دلیل‌های روشن آوردند و هنگامی که اندرزا نتیجه نداد، ما هم از کافران و تبهکاران انتقام گرفتیم و همواره یاری و نصرت مؤمنان بر ما حَقِّی لازم است» (سوره روم، آیه ۴۷).

وجود رابطه بین ایمان جمعی و گشایش الهی، قانون کلی دیگری است که خداوند وعده آن را مطرح می‌کند:

« وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ »؛ «و اگر مردم شهرها و آبادی‌ها، همه ایمان آورده و پرهیزگار می‌شدند، همانا درهای برکات آسمان و زمین را بر روی آن‌ها می‌گشودیم» (سوره اعراف، آیه ۹۶).

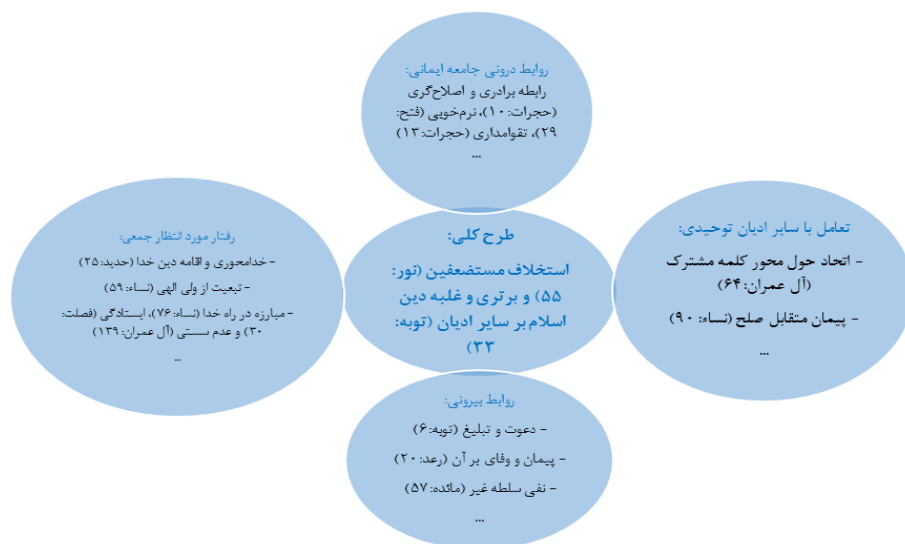
مسئله اراده اجتماعی و قانون‌مندی و نسبت آن با اراده خداوند نیز قضیه کلی دیگری در زمینه وعده‌های الهی است که می‌تواند مبنای آینده‌نگری باشد:

« إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ »؛ «البته، خداوند سرنوشت هیچ ملتی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آن‌ها خود را تغییر دهند و هنگامی که خدا برای قومی اراده بدی کند، هیچ چیز مانع آن نخواهد شد و جز خدا سرپرستی نخواهند داشت» (سوره رعد، آیه ۱۱).

گزاره‌های به‌دست‌آمده از بخش آینده‌نگری قرآنی، وعده‌های الهی و سایر آیات قرآنی، هر کدام در نسبت با یکدیگر لایه‌های مختلف این تصویر را پدید می‌آورند و نمایی کلی از آن به دست می‌دهند. مثلاً هنگامی که طرح و ایده کلی خداوند درباره آینده هستی و بشریت به‌دست آمد، متناسب با این طرح، گزاره‌های مرتبط با نوع تعاملات انسانی (درون و برون جوامع اعم از ایمانی و شرک)، تعاملات ادیان، نقش اراده جمعی، عبرت‌های پیشینیان و... جزئیات طرح کلی را بیشتر نمایان می‌سازند و به‌طور مثال، پاسخ سؤالاتی مانند چگونگی تعامل جامعه ایمانی با خود و دیگر مؤمنان، مشرکان و کفار، نسبت ادیان با یکدیگر، رفتار موردانتظار جامعه ایمانی و... مشخص می‌شود و سؤالاتی از این دست به‌مرور تکه‌های پازل طرح کلی را تکمیل می‌کنند.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در جمع‌بندی می‌توان چنین گفت که رویکرد جزئی‌نگر در همه اقسام و جوانب آن که بررسی شد، درحقیقت ارائه تصویر نمی‌کند، بلکه بیشتر در مقام استنباط و بیان قوانین تاریخی از سرگذشت پیشینیان است که قرآن در باب سرنوشت آنان ذکر کرده است یا در مقام القای نوعی آینده‌نگری مبتنی بر طرح الهی و همچنین گزاره‌های کلی است که از دلالت مطابقی آیات قرآن و وعده‌های الهی، قابل استنباط و ارائه است؛ اما از حیث تصویرگری و ایجاد افق حرکتی تمدنی، آورده‌ای مانند آنچه رویکردهای دیگر به دست می‌دهند، ارائه نمی‌دهد، بلکه تنها وجه تصویرگری از آینده در این رویکرد مبتنی بر چیش گزاره‌های متعددی است که از آیات و سوره‌های مختلف قرآن به صورت پراکنده استنباط و دریافت شده‌اند و به‌مثابه تکه‌های یک پازل، طرح کلی را تکمیل می‌کنند، فارغ از اینکه نسبت آیات با قبل و بعد خود یا فضای کلی سوره‌ها مورد توجه باشد؛ به‌طوری‌که این گزاره‌ها حتی قابلیت استنباط از بخشی از آیه را دارند. نمودار زیر به‌طور خلاصه رهیافت جزئی‌نگرانه در تصویرگری تمدنی را بیان می‌کند.



نمودار ۱. طرح کلی از تصویر آینده تمدنی مبتنی بر رویکرد جزئی‌نگر

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- احمدی آشتیانی، فرهاد (۱۴۰۱). گذار به تفسیر ساختارگرایانه قرآن، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران.
- شفیعی دارابی، محمدحسین (۱۳۷۱). نگاهی به پیشگویی‌های قرآن (۲). مجله معرفت، ۱ (۴).
- شفیعی دارابی، محمدحسین (۱۳۷۱). نگاهی به مسئله پیشگویی‌های قرآنی (۱). مجله معرفت، ۱ (۳).
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. ج. پنجم، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن. ج. سوم، تهران، انتشارات ناصرخسرو.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۷). تفسیر قمی. ج. چهارم، قم، دارالکتب الإسلامی.
- کاوه، محمد و محمدحسینی، فاطمه (۱۳۹۸). ویژگی وعده‌های الهی در قرآن و روایات. پژوهش‌نامه معارف قرآنی. ۱۰، (۳۷)، ۲۰۵-۲۳۶.
- گوهری فخرآباد، مصطفی و گوهری فخرآباد، سمانه (۱۳۹۹). دیدگاه قرآن درباره عوامل پیشرفت و انحطاط امت‌ها. فصلنامه تمدن اسلامی و دین‌پژوهی، ۱ (۴)، ۱۰-۲۷.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، ج. اول، تهران، دارالکتب الإسلامی.
- موسوی مبلغ، فاطمه (۱۳۹۳). تفکر در تاریخ، قابل دسترسی در:

<http://rcb.ir/tfkr-dr-tarix-a-145.aspx>

